

موارد و عوامل سقوط ایجاب در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰)

سید غلامرضا آل عقیل*
علیرضا حسنی**
مریم آقایی بجهستانی***

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۸

چکیده

حدوث اسباب زوال ایجاب در حقوق قراردادها موجب سقوط ایجاب می‌شود. این اسباب اعم از ارادی و غیرارادی است که عدم امکان الحاق قبول به ایجاب از آثار آن است. اسباب ارادی زوال ایجاب ممکن است به اراده موجب (مانند رجوع از ایجاب) یا به اراده مخاطب ایجاب (مانند رد ایجاب یا ایجاب متقابل) باشد. فوت، حجر و ورشکستگی از اسباب غیر ارادی ایجاب محسوب می‌شود. نظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در خصوص هر یک از مصادیق و تطبیق آن با حقوق ایران مورد بحث قرار گرفته است تا مشخص گردد که موضع حقوق ایران در ارتباط با اسباب زوال ایجاب در کنوانسیون تا چه حدی نزدیک است و در موارد اختلاف می‌بایست به چه ترتیبی عمل گردد؟ و آیا الحاق دولت ایران به کنوانسیون با اشکال مواجه است یا خیر؟ نتیجه این پژوهش بیانگر این بود که علل زوال ایجاب در نظام حقوقی ایران به صراحت مورد پیش‌بینی و در کنوانسیون نیز مد نظر قرار گرفته است. با بررسی مواد کنوانسیون، چهار مورد را می‌توان یافت که به مانند حقوق ایران سبب زوال ایجاب می‌گردند که عبارت از عدول از ایجاب، انقضای مدت مشخص شده برای قبولی، رد ایجاب از سوی مخاطب و ایجاب متقابل است. در نتیجه، موضع حقوق ایران در این خصوص نزدیک به کنوانسیون است، لذا الحاق دولت ایران به کنوانسیون بلااشکال است، ضمن آنکه در موارد اختلافی، دولت ایران می‌تواند از حق شرط استفاده نماید.

کلیدواژگان:

استرداد، ایجاب، جنون، رد، زوال ایجاب، فوت، گذشت مدت، ورشکستگی.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

Reza.aleaghil@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان (نویسنده مسئول)

Alireza332@yahoo.com

*** دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

maqib@gmail.com

مقدمه

لازم است قبل از هر چیز یادآور شویم که آنچه تحت این مبحث به عنوان موارد و عوامل سقوط ایجاب مطرح می‌شود، ناظر است به مواردی که هنوز مورد قبول واقع نشده و در واقع و نفس الامر عقد هنوز محقق نگردیده است، والا با وقوع عقد ایجاب به موجب هیچ‌یک از اسباب و عللی که خواهد آمد، زایل نمی‌شود. اگرچه ممکن است این عوامل و وقایع از استمرار آثار پاره‌ای عقود جلوگیری کنند یا حتی جزء سازنده پاره‌ای دیگر از عقود باشند. این مهم در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز به صراحت ذکر شده است. ماده ۱۶ کنوانسیون در بند ۱ به اصل قابلیت رجوع از ایجاب اشاره دارد: «مادام که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب قابل رجوع است، به شرطی که رجوع پیش از آنکه مخاطب ایجاب، قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل شود». لیکن اصل قابلیت رجوع از ایجاب، عمیقاً به علت بند ۲ فرسوده می‌شود: «باوجود این در موارد ذیل نمی‌توان از ایجاب رجوع کرد: الف) در صورتی که ایجاب به واسطه قید زمان معین جهت قبول آن یا به علت دیگر، حکایت از این داشته باشد که غیرقابل رجوع است؛ یا ب) هرگاه تکیه مخاطب بر ایجاب به عنوان ایجاب غیرقابل رجوع، امری معقول بوده و بر همان اساس عمل کرده باشد».

با مدنظر قراردادن این یادآوری باید بیان داشت، زوال ایجاب که در کتب حقوق خارجی بحث مستقل و مهمی را تحت عنوان "TERMINATION OF OFFER" به خود اختصاص داده، در مباحث فقهی و تا اندازه‌ای هم در کتب حقوقی ما جایگاه شایسته خویش را پیدا نکرده است. به رغم گسترش مبادلات بازرگانی در دنیای امروز یا وجود اهمیت بسزایی که قراردادهای در زندگی اقتصادی انسان دارند، ایجاب مدت اعتبار و عوامل نابودی آن به خوبی مورد پژوهش و تحقیق قرار نگرفته است و لذا احکام مربوط به این مباحث در مواضع و مناسبت‌های مختلف پراکنده شده‌اند. لذا در این مقاله، هدف، شناخت مواردی است که بر اثر آنها ایجاب زایل می‌گردد. بنابراین طی چند بند به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۱. استرداد ایجاب

مفهوم و ماهیت ایجاب، علی‌رغم سادگی ظاهری‌اش، حاوی مباحث عمیقی است که قانون مدنی ایران به آن نپرداخته است. ایجاب، نخستین اراده انشایی قرارداد است و امکان دارد قبل از

قبول، مانند هر وجود اعتباری دیگری زوال یابد. رجوع موجب از مهم‌ترین اسباب زوال ایجاب است که به اراده یکجانبه موجب واقع می‌شود.^۱

معنای رجوع، بازگشت به وضع سابق است و انحلال عقد در آن، جنبه مقدماتی دارد. به همین دلیل، رجوع از ایقاعات، در صورتی امکان دارد که عین آنچه از دست رفته، موجود باشد.^۲ رجوع از ایقاعات، عمل حقوقی یکجانبه است و قائم به تراضی نیست.^۳

پروفسور هرمن اولیفانت، در تعریف رجوع از ایجاب چنین می‌گوید: رجوع یا استرداد ایجاب به‌طور معمول برای بیان انگاره (نیت) برگشت و واژگونی مقصود و منظور مفاد ایجاب گوینده ایجابی است که اراده‌اش به مخاطب اطلاع داده شده است. این اندیشه در برخی از دعاوی، منسوخ و مطرود شده است که تعبیر قصد اطلاع داده نشده برای زوال قدرت انشایی قبول مخاطب کافی است. این فرضیه متکی بر این ایده است که مسئولیت انشایی موجب، طبق اراده واقعی‌اش تشخیص داده می‌شود، نه بر اساس اظهار قصد ظاهری. این ایده اکنون پابرجا و برقرار است که عنصر ابلاغ و اطلاع، عنصری کارگر و مؤثر در تعریف زوال ایجاب است. تغییر اراده و نیت (قصد) علی‌رغم ضرورتش، اهمیت ناچیزی دارد. از این‌رو، بهتر است تا عدول از ایجاب این‌گونه تعریف شود: «اطلاع از تغییرات حادث در قصد موجب». انقضای ایجاب، به‌طور عادی و خیلی معمول برای تمیز شرایطی که ایجاب به‌واسطه رجوع موجب و شرایطی که به‌واسطه رد مخاطب زایل می‌شود، به‌کار می‌رود. همان‌طور که نفس خالق می‌تواند آثار حقوقی به وجود آورد، می‌تواند اثر حقوقی موجود را معدوم کند. مثلاً ابراء‌کننده به‌وسیله قصد انشای خود، اثر حقوقی موجود (یعنی دین) را از اعتبار می‌اندازد. اگر ایجاب‌کننده، حق عدول از ایجاب را داشته باشد، می‌تواند اثر حقوقی ایجاب را معدوم کند و مانع تحقق عقد شود.

اصطلاح رجوع از ایجاب (بالمعنی الاعم) در سه مقطع زمانی قابل تصور است:

۱. پیش از وصول به مخاطب؛

۱. اصغری آق‌مشهدی، فخرالدین و حسین کاویار، رجوع از ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰)، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۹۵، شماره ۵۵، ص ۲۳۳.

۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، (ویرایش جدید)، ۱۳۸۷، ص ۵۳.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق: دایره‌المعارف عمومی حقوق، جلد ۳، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۳۲.

۲. پس از وصول به مخاطب و پیش از قبول؛

۳. پس از قبول.

رجوع در حالت سوم، یعنی پس از قبول، فقط از طریق فسخ به خیار یا اقاله امکان دارد. فی الواقع با توجه به مفهوم مخالف ماده (۱) ۱۶ کنوانسیون که در اول این مبحث ذکر شد، بعد از انعقاد عقد، رجوع از ایجاب ممکن نیست. آنچه محل بحث است، رجوع در حالت اول و دوم است. به عنوان قاعده کلی، ایجاب در هر زمانی قبل از قبولی، قابل استرداد است. از این رو، ایجاب کننده می تواند هر زمان قبل از قبول، ایجاب خود را مسترد کند یا به عبارت دیگر، موجب سقوط اثر و اعتبار آن شود. با استرداد ایجاب، قدرت قبول از شخصی که ایجاب به او شده است، ساقط می شود و نمی تواند آن را به قبول ملحق سازد. با این اعتقاد، لازم است در همین قسمت از بررسی، به زمان تأثیر استرداد و همچنین ایجاب قابل استرداد یا غیر قابل استرداد (تعهد یک طرفه) پردازیم.

استرداد ایجاب به عنوان یکی از اعلامات اراده، زمانی دارای اثر می شود که متجلی گشته و برای طرف ایجاب قابل درک و لمس شده باشد و از این نظر هیچ تفاوتی با ایجاب ندارد. بنابراین، آنچه ضمن مبحث زمان تأثیر ایجاب داشتیم، در مورد استرداد ایجاب نیز صادق است. نتیجه آنکه عمل مغایر ایجاب اگر به اطلاع طرف نرسد، استرداد تلقی نمی شود و در صورتی که طرف ایجاب همزمان یا قبل از دریافت ایجاب از استرداد آن مطلع شود، نمی تواند آن را قبول کند و ایجاب کننده تا قبل از الحاق ایجاب به قبول می تواند آن را مسترد دارد. همچنین مرحله تحریر و ارسال، زمان تأثیر استرداد ایجاب تلقی نمی شود، ولی با توجه به اثر و ارزشی که برای کاشف از قصد قائل شدیم، ورقه حاوی استرداد ایجاب، ایجاب را از اثر می اندازد؛ مگر اینکه ثابت شود آن ورقه علی رغم میل و اراده و بدون قصور و اهمال ایجاب کننده ارسال شده است.^{۲۱}

۱. صفایی، حسین و همکاران؛ *حقوق بیع بین المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالت متحده آمریکا*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم (با تجدیدنظر و اضافات)، ۱۳۹۰، ص ۴۱.

۲. برای تبیین بهتر به مثالی که در این خصوص ذکر شده اشاره می کنیم: در سال ۱۸۸۰ در قضاة *Byrne & Co v. Leon van Tienhoven* ایجاب فروش اوراق آهن در تاریخ ۹ اکتبر در کاردیف پست شد و مورخ ۱۱ اکتبر در نیویورک به مخاطب واصل شد. مخاطبین بلافاصله ایجاب واصل شده را با ارسال تلگرام در تاریخ ۱۵ اکتبر قبول کردند. در این اثناء، موجبین در تاریخ ۸ اکتبر از ایجابشان منصرف شده ←

در حقوق ایران باید بین قابلیت رجوع از ایجاب ساده با مهلت‌دار قائل به تفاوت شد: در ایجاب ساده، نظر فقها و حقوق‌دانان این است که چنین امکانی وجود دارد؛ چرا که ایجاب به عنوان موجودی اعتباری، می‌تواند پیش از انضمام قبول به آن، با همان اراده که آن را انشا کرده است، از بین برود.^۱ برخی حقوق‌دانان دیدگاهشان را این گونه بیان کرده‌اند که ایجاب بیش از این نیست که موجب با ایقاع ایجاب خود، اراده و همکاری و مشارکت در ایجاد ماهیت حقوقی عقد را از راه ترکیب ایجاب با قبول طرف و التزام به مفاد عقد، در صورت تحقق آن، نه پایبند کردن یک‌طرفه خود تا صدور قبول را دارد^۲ و بالاخره اینکه اصل حاکمیت اراده اقتضا می‌کند که ایجاب به تنهایی الزام‌آور نباشد.^۳

با بررسی‌ها و توجه به دیدگاه‌های علمای فقه و حقوق، این نتیجه حاصل می‌گردد، در ایجابی که نه از لفظ موجب نه از اوضاع و احوال و قرائن، الزام‌آور بودن آن دریافت نمی‌شود، بی‌شک موجب می‌تواند از ایجابش رجوع کند، بدون آنکه بتوان برای او مسئولیتی متصور شد. به‌عنوان مثال، فرد «الف» که عمده‌فروش خشکیار است، پیشنهاد یک تن بادام به قیمت ۱۰ میلیون را به شخص «ب» می‌دهد و شخص «ب» در حال بررسی است که آیا می‌تواند با این قیمت بار را قبول کند یا خیر. در این فاصله شخص «ج» برای خرید بادام به انبار شخص «الف» مراجعه می‌کند و «الف» همان پیشنهادی را که به شخص «ب» داد، به شخص «ج» می‌دهد و او هم قبول می‌کند و طی تماسی با شخص «ب» اظهار می‌دارد که از ایجابش رجوع شده است. در این مثال، هیچ حقی برای شخص «ب» به‌وجود نیامده است و چنین ایجابی به تنهایی نمی‌تواند منشأ تعهد و التزام محسوب گردد. النهایه با پذیرش امکان رجوع در ایجاب ساده نشان می‌دهد

→ بودند اما تا تاریخ ۲۴ اکتبر، نامه انصراف از ایجابشان به مخاطبین واصل نشده بود. دادگاه مقرر داشت که قرارداد منعقد شده است. زیرا نامه انصراف، هم‌زمان با قبول ایجاب واصل نشده بود. بنابراین قرارداد معتبر منعقد شده بود، علی‌رغم اینکه طرفین اذعان داشتند در توافق و تراضی با یکدیگر نیستند. از قضیه باین علیه وان تین هوون این قاعده استنتاج می‌شود که ایجاب می‌تواند به وسیله موجب، در هر زمانی پیش از قبول، استرداد شود، ولی به هر حال استرداد ایجاب، تنها در صورتی مؤثر و کارگر است که به مخاطب ایجاب، واصل شود. (اصغری آقمشیدی و کاویار، پیشین، ص ۲۳۸).

۱. انصاری، مرتضی، مکاسب، چاپ سنگی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۲۸۰.

۲. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۲، صص ۱۴۵-۱۴۹.

۳. بهرامی، حمید، کلیات عقود و قراردادهای، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۵۶.

۳. صفایی، حسین، قواعد عمومی قراردادهای، تهران: میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۶، ص ۶۹.

که این مورد جزئی از موارد زوال ایجاب محسوب می‌گردد و اینکه در این خصوص، حقوق ایران با کنوانسیون هماهنگ است؛ چرا که در هر دو اصل بر قابلیت رجوع است (ن.ک: بند یک ماده ۱۶ کنوانسیون).

در مورد قابلیت رجوع از ایجاب مهلت‌دار نیز چنین بیان شده است: در جایی که موجب صرفاً مهلتی برای قبولی مشخص می‌کند، بحث است که آیا موجب می‌تواند ایجابش را در مدت مشخص شده پس بگیرد یا خیر؟ برخی معتقدند در چنین ایجابی، موجب قبل از انقضای مهلت، حق عدول از ایجاب را ندارد؛ چرا که به طور معمول وقتی فرصتی برای قبول داده می‌شود، ظهور در التزام دارد.^۱ در مقابل، برخی حقوق‌دانان معتقدند، در این فرض هم اصل بر قابلیت رجوع است؛^۲ با این استدلال که فقط زمانی می‌توان ایجاب را غیرقابل عدول دانست که همراه با التزامی باشد.^۳ پس در چنین حالتی موجب می‌تواند ایجابش را پس بگیرد یا تصمیم خود را عوض کند و شرایط و مفاد ایجاب را تغییر دهد. با این تغییر، در حقیقت ایجاب قبلی را پس گرفته است.^۴

به نظر، صرف تعیین مهلت سبب التزام موجب نمی‌گردد؛ زیرا بقای ایجاب صرفاً متکی به اراده موجب است.^۵ در حقوق ایران، به دلیل عدم نص، اصل بر این است که ایجاب تا قبل از انعقاد قرارداد قابل رجوع است، مگر اینکه از لفظ موجب یا اوضاع و احوال کاشف به عمل آید که ایجاب الزام‌آور است. اما در چنین حالتی باید پذیرفت که در صورت رجوع موجب، سبب مسئولیت مدنی (در صورت تقصیر) برای او خواهد شد. زیرا آزادی اراده موجب در امکان رجوع، ملازمه‌ای با قائل شدن مسئولیت برای او ندارد. مضافاً اینکه با تعیین مدت، برای طرف ایجاب حقی متزلزل به وجود آمده است. همچنین، او ممکن است در این مدت از انجام برخی معاملات خودداری کرده باشد. بنابراین، طبق مثال قبلی، اگر شخص «الف» پیشنهاد خود را همراه با تعیین مهلت ۲۰ روزه

۱. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۵، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، (ویرایش جدید)، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷؛ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت**، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۳۱۰.

۲. شهیدی، مهدی، پیشین، ص ۱۴۵؛ قاسم زاده، سید مرتضی، **اصول قراردادها و تعهدات**، تهران: دادگستر، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۶۳.

۴. معزی، امیر، **حقوق مدنی ۳**، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۶.

۵. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۱۰۲.

به «ب» بدهد و شخص «ب» در حال بررسی باشد که آیا می‌تواند چنین پیشنهادی را با چنین قیمتی بپذیرد یا خیر و در این فرصت ۲۰ روزه شخص «ج» به انبار «الف» مراجعه کند و با پیشنهاد «الف» مواجه گردد و «ج» هم قبول کند، عقد بین «الف» و «ج» محقق شده است. طبق این مثال، موجب صرفاً مهلتی تعیین کرده است و هیچ التزامی از لفظ و اوضاع و احوال استنتاج نمی‌گردد. پس ایجاب کماکان قابل رجوع است، اما در صورت رجوع، او در برابر شخص «ب» دارای مسئولیت مدنی (در صورت تقصیر) است. النهایه با بررسی‌های صورت گرفته باید گفت که در ایجاب مدت‌دار هم حقوق ایران هماهنگ با کنوانسیون است؛ چرا که مطابق بند ۲ ماده ۱۶، اگر موجب تعیین مدت برای قبولی کند، در صورتی می‌توان آن را غیرقابل عدول دانست که صریحاً یا ضمناً یا از اوضاع و احوال بتوان چنین برداشتی کرد.^۱

نویسندگان حقوقی، قضات و حتی قانون‌گذاران در نوشته‌ها، آرا و قوانین خود اکثراً مبحث استرداد ایجاب را به دو قسمت مجزای ایجاب قابل استرداد و ایجاب غیر قابل استرداد تفکیک نموده‌اند و در حقوق ما به مسئله، تحت عناوینی مثل تعهد یک‌جانبه یا یک‌طرفه یا اراده شخص واحد پرداخته‌اند. باید معتقد بود که ایجاب علی‌القاعده و به عنوان یک اصل قابل استرداد است، حتی اگر برای اعتبار آن توسط ایجاب‌کننده مدتی تعیین شده باشد؛ زیرا ایجاب وسیله‌ای است برای اعلام یک‌جانبه قصد و به تنهایی نمی‌تواند تعهدی را به وجود آورد.

در بحث استرداد، باید این نکته نیز ذکر شود که ممکن است ایجاب، عام و خطاب به عموم انجام شود. «به نظر می‌رسد استرداد نافذ و مؤثر ایجاب عام، وابسته به شرایط مشابهی است که بر نفوذ ایجاب عام حکومت می‌کند. جایی که ایجاب عام، با وصول به مخاطب نافذ می‌شود، به‌طور متعارف از موجب منصرف از مفاد ایجاب می‌توان انتظار داشت که اعلامیه انصرافش به مخاطب ایجاب واصل شود. از سوی دیگر، جایی که ایجاب عام بدون وصول به مخاطب نافذ می‌شود، انصراف از این رویکرد مبتنی بر این ایجاب نیز به همان شیوه‌های که منتشر شده است، باید ممکن باشد. در نتیجه، در ایجاب عام (مثل جعله خطاب به عموم)، ایجاب در صورتی

۱. ابهری، حمید و همکاران، اسباب زوال ایجاب در کنوانسیون بیع بین‌المللی کال مصوب ۰۸۹۱ و تطبیق آن با حقوق ایران، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال دوم، ۱۳۹۴، شماره ۴، صص ۷۰-۷۱.

می‌تواند به درستی مسترد شود که اقدامات متعارف برای مطلع کردن اشخاصی که احتمال قبولی آنان می‌رود، انجام گیرد»^۱.

در مورد ایجاب الکترونیکی نیز شورای مشورتی کنوانسیون وین در سال ۲۰۰۳ ذیل بند ۲ ماده ۱۵ چنین مقرر داشت: «ایجاب، حتی اگر غیرقابل رجوع باشد، می‌تواند مسترد شود، مشروط بر اینکه انصراف، قبل از وصول یا هم‌زمان با وصول ایجاب به مخاطب، وارد سرور وی شود. پیش شرط ضروری برای استرداد ایجاب الکترونیکی این است که مخاطب به نحو صریح یا ضمنی به دریافت ارتباط الکترونیکی از آن نوع، در آن فرمت و به آن نشانی رضایت دهد»^۲. علاوه بر مسئله استرداد که در صفحات قبل درباره آن صحبت نمودیم، چون در عقد غایبین همواره بین ایجاب و قبول مدت زمانی فاصله می‌افتد و تولا به مفهوم ظاهری آن جاری نمی‌گردد، بسیار ممکن است در این فاصله وقایعی مانند مرگ و جنون که موجب سقوط شخصیت و اهلیت هستند، حادث شوند یا سببی از اسباب دیگر به وجود آید که به نحوی بر ایجاب اثر بگذارد و آن را از اعتبار بیندازد.

در نتیجه، استرداد ایجاب به زوال و ختم ایجاب منتج می‌شود. اما باید توجه داشت که ایجاب مجدداً قابل استرداد نیست، بلکه باید ایجاب جدید، جایگزین آن شود؛ اگرچه در اوضاع و احوال خاصی، اعلامیه حاوی قبول، علی‌رغم استرداد ایجاب در بازه زمانی معین، ممکن است به‌عنوان ایجاب، مؤثر واقع شده، سبب شود که روابط بین فروشنده و خریدار، دوباره از سر گرفته شود.

۲. رد صریح یا ضمنی

صورت دیگر زوال ایجاب رد آن توسط مخاطب است. در فرهنگ حقوقی بلک در تعریف رد چنین آمده است: «امتناع از قبول ایجاب؛ امتناع از قبول مبیع به عنوان اجرای قرارداد»^۳. طبق

۱. داکسبری، روبرت، *مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان*، ترجمه و توضیحات: حسین میرمحمد صادقی، حقوقدان، ۱۳۷۷، ص ۳۶.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

CISG-Advisory Council Opinion No. 1, Electronic Communications under CISG (Aug. 15, 2003), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/CISG-AC-op1.html>.

3. Rejection

۴. کاتوزیان، ناصر، *عقود معین (معاملات معوض-عقود تملیکی)*، پیشین، ص ۳۲۶؛ قاسم زاده، سید مرتضی، ص ۶۴؛ معزی، امیر، ص ۱۶.

ماده ۱۷ کنوانسیون ایجاب، حتی اگر غیرقابل رجوع باشد، از هنگامی که رد آن از سوی مخاطب به موجب واصل می‌گردد، منتفی می‌شود. در این ماده نیز کنوانسیون نظریهٔ وصول را مورد پذیرش داده است و رد ایجاب از سوی مخاطب زمانی مؤثر است که به موجب برسد. پس اگر قبل از رسیدن یا هم‌زمان با آن، مخاطب به نحوی قبولی خود را اعلام دارد، قرارداد منعقد می‌گردد (وحدت مالک از بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون).

در حقوق ایران نیز رد ایجاب از سوی مخاطب سبب زوال ایجاب می‌گردد.^۱ برخی دلیل آن را از ملاک ماده ۲۵۰ ق.م. استنباط کرده‌اند.^۲ این ماده در خصوص معامله فضولی مقرر می‌دارد: «اجازه در صورتی مؤثر است که مسبوق به رد نباشد والا اثری ندارد» که اعلام رد مالک عقد را از بین می‌برد و اجازه بعد از رد بی‌اثر است. ذکر این نکته ضروری است که اعلام رد باید به طور صریح یا ضمنی باشد؛ به عنوان مثال در جایی که مخاطب اعلام می‌دارد آیا پرداخت ثمن در دو قسط ممکن است یا خیر، این رد محسوب نمی‌شود؛ چرا که نه صریحاً نه ضمناً رد دریافت نمی‌شود. پس می‌توان گفت در خصوص رد مخاطب، حقوق ایران مطابق با کنوانسیون است، به جز بحث وصول رد به موجب.^۳

بنابراین، می‌توان با توجه به کنوانسیون و حقوق ایران بیان داشت؛ اگر ایجاب رد شود، دیگر قابل الحاق به قبول نخواهد بود و چنانچه طرف ایجاب دوباره اقدام به قبول کند، در عمل مبادرت به ایجاب جدیدی نموده است که خود نیازمند قبول ایجاب‌کننده می‌باشد. علی‌رغم سکوت مقنن، دکترین و رویهٔ قضایی در ایران باید به طور کلی و به عنوان یک قاعده معتقد بود که از نظر حقوق ایران نیز همین قاعده جاری است. اگرچه ممکن است ایراد شود که ایجاب، مخلوق ارادهٔ منحصر شخص ایجاب‌کننده است و بدون رضا و قصد او با ارادهٔ شخص دیگر که در خلقتش نقش و تأثیری نداشته است، ساقط نمی‌شود و با وجود رد می‌توان فرض استمرار ایجاب را نمود.

1. Garner, B.A, Black's Law Dictionary, USA: West Group Pub, 9th ed, p. 1291, 2009, See also, Cozzillio, M.J., *The Option Contract: Irrevocable Not Irrejectable*, Cath. U.I.Rev, vol. 39, p 500.

۲. کاتوزیان، ناصر، *عقود معین (معاملات معوض-عقود تملیکی)*، پیشین، ص ۳۲۹.

۳. ابهری، حمید و همکاران، پیشین، ص ۷۱.

۳. گذشت (انقضاء) مدت

از اسباب دیگر زوال، ایجاب گذشت زمان است. مطابق بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون، هرگاه اعلام رضا ظرف مدتی که موجب تعیین کرده است یا در صورت عدم تعیین، ظرف یک مدت متعارف به وی واصل نگردد، قبول نافذ نخواهد بود. حال اگر بعد از انقضای مدت‌های مذکور در بند ۲ ماده ۱۸، مخاطب قبولی خود را اعلام کند، (یعنی قبولی دیررس مخاطب) این حق مطابق بند یک ماده ۲۱ کنوانسیون به موجب داده شده است تا به طور شفاهی یا با ارسال نوشته‌ای به مخاطب، قبولی مزبور را نافذ و معتبر بداند. همچنین در بند ۲ همین ماده آمده است: «هرگاه نامه یا نوشته دیگری که متضمن قبول توأم با تأخیر است، حکایت از این داشته باشد که ارسال آن در چنان اوضاع و احوالی صورت گرفته که اگر جریان انتقال به صورت عادی انجام می‌گرفت، ظرف مدت مقرر به ایجاب‌کننده می‌رسید، این قبول با تأخیر، یک قبول نافذ محسوب می‌شود، مگر اینکه ایجاب‌کننده بی‌درنگ به طور شفاهی یا با ارسال یادداشتی به اطلاع مخاطب برساند که وی ایجاب خود را خاتمه یافته تلقی می‌کند».

از آنجا که در مواد مذکور، مخاطب مرتکب تقصیر نشده و مورد حمایت قرار گرفته است، از این رو چنین قبولی نافذ است؛ مگر اینکه موجب ایجابش را خاتمه یافته تلقی کند. در هر دو حالت مذکور، در ماده ۲۱ کنوانسیون، قاعده پذیرفته شده به نفع موجب است؛ زیرا اراده او سرنوشت قرارداد را رقم خواهد زد.

علی‌رغم سکوت قانون، دکتربین در حقوق ایران پذیرفته است که ایجاب‌کننده می‌تواند برای مخلوق اعتباری اراده خود، مدتی را معین کند که با انقضای مدت مقرر، ایجاب نیز از اثر و اعتبار بیفتد و اگر ایجاب‌کننده مدتی برای دوام اعتبار ایجاب معین نکرده باشد، باز ایجاب برای مدت نامحدودی قابل الحاق به قبول نخواهد ماند، بلکه توالی ایجاب و قبول با توجه به اوضاع و احوال هر قرارداد و از جمله موضوع معامله، مثلاً فسادپذیری کالا و تأثیر نوسانات بازار بر ارزش و قیمت آن، نوع معامله، روابط گذشته طرفین قرارداد، عرف و عادت و سایر عوامل تعیین می‌گردد و به هر حال، طرف ایجاب پس از گذشتن مدت تعیین شده یا مدت معقول و موجهی که با توجه به اوضاع و احوال معین می‌گردد، دیگر قادر نخواهد بود ایجاب را به قبول ملحق سازد. بنابراین، در حقوق ایران نیز همان طور که مورد اتفاق است، با انقضای مهلت مقرر برای قبولی، ایجاب از

بین خواهد رفت.^۱ قبولی بعد از مدت معینه بی اثر است و باید آن را در حکم پیشنهاد تازه‌ای شمرد که نیاز به قبول دارد.^۲

ذکر این نکته ضروری است که اگر مهلتی برای قبولی معین نشده باشد، برای تشخیص اینکه مخاطب تا چه زمانی فرصت دارد قبولی یا عدم قبولی خود را اعلام کند، باید به عرف رجوع کرد که قاضی در هر مورد با توجه به جهات مختلف و عرف و عادت آن را تعیین خواهد کرد.

برای محاسبه مهلت متعارف، توجه به مواردی چون مدت وصول ایجاب به مخاطب و بالعکس و نیز شیوه ارسال ایجاب و قبول ضروری است. به طور مثال، قرار است نامه حاوی ایجاب یا قبولی با خودرو فرستاده شود یا قرار است با وسیله‌ای دیگر ارسال گردد.^۳

چنانچه ملاحظه می‌شود در خصوص از بین رفتن ایجاب به سبب انقضای مدت حقوق ایران در کلیات امر مطابق کنوانسیون است. مقررۀ بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون را نیز می‌توان در حقوق ایران قابل اعمال دانست. اما مقررۀ بند ۲ ماده ۲۱ کنوانسیون را نمی‌توان قابل اعمال در حقوق ایران دانست؛ چرا که طبق اصول حقوقی چنین فرضی ایجاب تازه‌ای از سوی موجب صورت گرفته و نیاز به قبول مجدد دارد. مقررۀ بند ۲ ماده ۲۱ کنوانسیون، به این نحو می‌توان در حقوق مورد سؤال قرار داد که اگر مخاطب در مدت مقرر برای قبولی به دلیل عذر موجه از جمله فورس مازور نتواند قبولی را اعلام دارد، آیا قبولی بعد از این مدت نافذ است؟ در پاسخ باید گفت که نقش فورس مازور در حقوق ایران عدم مسئولیت است، نه اینکه حقی ایجاد کند. در مورد سؤال مذکور نمی‌توان به سبب فورس مازور قائل به حقی برای مخاطب بود.^۴

در خاتمه، لازم به یادآوری است که تعیین مدت و مهلت در ایجاب به مفهوم آن نخواهد بود که ایجاب‌کننده تا انقضای مدت به ایجابش ملزم می‌گردد، بلکه اثر مدت و مهلت آن است که با انقضای مدت یا سپری شدن مهلت ایجاب خود به خود از اعتبار و اثر می‌افتد و قابل الحاق به قبول نخواهد بود.

۱. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۲۷۳؛ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۳۱-۱۳۹؛ شهیدی، مهدی، پیشین، ص ۱۴۸؛ امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، جلد ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ص ۱۹۱.
۲. کاتوزیان، ناصر، *عقود معین (معاملات معوض-عقود تملیکی)*، پیشین، ص ۳۱۷.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، پیشین، ص ۱۳۰.
۴. ابهری، حمید و همکاران، پیشین، ص ۷۵.

۴. زوال ایجاب به واسطه ایجاب متقابل^۱

همان طور که بیان شد؛ از اسباب ارادی زوال ایجاب که از طرف مخاطب ایجاب صورت می‌گیرد، رد ایجاب است. رد ایجاب ممکن است به صورت صریح یا ضمنی با افزودن شرایط جدیدی در قبول صورت پذیرد. در مورد رد صریح، قبلاً به عنوان یکی از اسباب زوال ایجاب بحث شد. اما در مورد رد ایجاب ضمنی می‌توان گفت، مخاطبی که چنین تلاشی می‌کند، خود موجب ایجاب متقابل است که این ایجاب متقابل نیز از صور دیگر زوال ایجاب محسوب می‌گردد.

در فرهنگ حقوقی بلک، ایجاب متقابل چنین تعریف شده است: «ایجاب متقابل عبارت است از پیشنهاد جدید مخاطب که با شرایط و مفاد ایجاب اصلی متفاوت است و معمولاً به حیات ایجاب اصلی خاتمه می‌دهد و آن را زائل می‌سازد. ایجاب متقابل معمولاً به عنوان رد محسوب می‌شود».^۲ در واقع، هرگونه پاسخ مخاطب به موجب، به نحوی که از ایجاب اصلی منحرف شود، به عنوان رد ایجاب محسوب می‌شود و قدرت قبول مخاطب را بی‌اعتبار می‌کند.

مطابق بند یک ماده ۱۹ کنوانسیون، هرگونه پاسخ به ایجاب که ظاهراً قبول ایجاب بوده، ولی متضمن اضافات، محدودیت‌ها یا سایر اصلاحات نسبت به ایجاب باشد، به منزله رد ایجاب و ایجاب متقابل است. در انتهای ماده، مواردی که شرایط ایجاب را به طور اساسی تغییر می‌دهد، بیان شده است: ثمن، تأدیه، وصف و مقدار کالا، مکان و زمان تسلیم کالا، حدود مسئولیت هر یک از طرفین نسبت به دیگری یا حل اختلافات.^۳

برخی معتقدند، قاعده‌ای که قبول اصلاح شده را موجب یک ایجاب متقابل می‌داند، بسیار خشک و بی‌انعطاف تلقی می‌کند و مقررۀ مذکور در کنوانسیون را مورد تأیید قرار می‌دهد. بنابراین بند، قبولی که همراه با قیود غیراساسی است، زمانی باعث انعقاد قرارداد می‌گردد که هر دو شرط بند ۲ (تغییرات غیراساسی و عدم اعلام مخالفت موجب) جمع شود.

در این خصوص، در حقوق ایران نصی وجود ندارد، ولی قاعده این است که مفاد قبول باید این معنی را برساند که ایجاب به همان گونه که انشا گردید، مورد قبول قرار گرفته است. برخی

1. Counter-offer

2. Garner, B.A, Black's Law Dictionary, USA: West Group Pub, 9th ed, p. 1291, 2009, See also, Cozzillio, M.J., *The Option Contract: Irrevocable Not Irrejectable*, Cath. U.I.Rev, vol. 39, p 354.

3. Ipid, p 76.

معتقدند، هرگونه تغییر، حتی جزئی در ایجاب، سبب زوال آن خواهد شد.^۱ برخی نیز آن را فقط در شروط اساسی سبب زوال می‌دانند. عقیده گروه اول این است که در عقود معوض، ایجاب قابل تبعیض نیست و باید تمام آن، چنان که هست، پذیرفته شود.^۲ در تلفیق این دو دیدگاه می‌توان گفت اگر شرط یا تغییر جزئی که مخاطب وضع کرده است، مورد پذیرش موجب باشد، عقد محقق می‌گردد با همان تغییرات جزئی و غیراساسی. ولی اگر این تغییرات اساسی یا جزئی باشد و مورد پذیرش موجب قرار نگیرد، سبب زوال ایجاب می‌گردد. اما برخی تغییرات اساسی را نیز با پذیرش موجب سبب انعقاد عقد می‌دانند.^۳

البته لازم به توضیح است که پاسخ به ایجاب باید در مقام قبولی باشد؛ پاسخی که مشتمل بر تحقیق و واریسی بیشتر مخاطب است، دیدگاه‌های مخالف راجع به ایجاب یا درخواست یک ایجاب بهتر یا سؤال در مورد شروط قرارداد، لزوماً قبول مشروط یا ایجاب متقابل نیست.^۴ ممکن است که پاسخ، صرفاً به قصد محک زدن موجب در قبال قبولی مغایر باشد و درعین حال، مخاطب ایجاب، امکان قبول ایجاب را در زمان بعدی برای خود محفوظ دارد. در صورتی که پاسخ ایجاب، صرفاً ناظر به پرسش یا پیشنهاد در خصوص امکان افزودن شروط اضافی باشد، چنین پاسخی نه قبول تلقی می‌شود نه رد ایجاب و این یک امر موضوعی است که دادرس باید در هر قضیه به طور جداگانه تشخیص دهد که آیا پاسخ مخاطب در مقام قبول بوده است یا در مقام سؤال، پیشنهاد، تحقیق بیشتر و غیره. بنابراین، همه ایجاب‌های متقابل به‌عنوان رد ایجاب عمل نمی‌کنند. بنابراین، در مقام نتیجه‌گیری باید گفت، در خصوص ایجاب متقابل هم حقوق ایران تا حدود زیادی با کنوانسیون موافق است، به جز در خصوص سکوت موجب؛ چرا که اگر موجب نسبت به شروط و اضافات غیراساسی سکوت کند، عقد محقق می‌گردد. ولی در حقوق ایران باید به تأیید موجب برسد و سکوت او مطابق قاعده به معنی عدم رضاست. در پایان باید اشاره کرد، در سایر موارد که کنوانسیون نصی زوال ایجاب ندارد، به حقوق ملی طرفین دعوا رجوع می‌شود. از جمله

۱. شهیدی، مهدی، پیشین، ص ۵۳.

۲. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۳۳۶.

۳. صفایی، حسین، پیشین، ص ۵۲.

۴. پارساپور، محمدباقر و وحید فقیهی، **نبرد فرم‌ها در کنوانسیون بیع بین المللی کالا با مطالعه در حقوق ایران**، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۸.

آنها می‌توان به مرگ یا حجر پیرامون یکی از طرفین، ممنوعیت قانونی موضوع ایجاب، تکرار ایجاب قبل از قبول، ایجابی که بقایش منوط به شرطی است که منتفی شده، اشاره کرد. در حقوق ایران، موارد مذکور را می‌توان از موجبات زوال ایجاب قلمداد کرد. به عنوان نمونه، در فرضی که دولت، فروش کالا را قبل از تسلیم مبیع ممنوع می‌کند و موجب انفساخ عقد بیع می‌گردد (مصادقی از ماده ۳۸۷ ق.م)، به طریق اولی این مورد را باید قبل از قبولی مورد پذیرش قرار داد؛ به عبارتی دیگر، در این فرض ایجاب موضوعیت خود را به واسطه منع قانونی از دست داده است و مهملی برای قبولی باقی نیست، لذا ایجاب منتفی می‌گردد.

۵. فوت و جنون

در حقوق ایران، در ارتباط با تأثیر فوت یکی از طرفین بر ایجاب، دو نظریه مطرح گردیده است: براساس نظریه غالب، ایجاب بر اثر فوت هر یک از طرفین زائل می‌شود، اما به نظر اقلیتی از حقوق دانان ایرانی و فقهای امامیه، ایجاب بعد از فوت موجب، قابل تنفیذ است. در مسئله تأثیر حجر، یکی از طرفین بر ایجاب نیز زوال ایجاب بر اثر جنون، سفه و ورشکستگی (افلاس) بر مبنای لزوم تحقق مفهوم معاهده میان طرفین در دوران تشکیل عقد در حقوق ایران مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در سیستم‌های حقوقی اروپایی نیز دو دیدگاه عمده ملاحظه می‌شود: ۱- زوال ایجاب بر اثر فوت و حجر هر یک از طرفین، بنا به تأکید برخی سیستم‌های حقوقی حکومت اراده باطنی در تشکیل تعهدات ارادی و لزوم حیات و اهلیت طرفین در تمام دوران تشکیل عقد؛ ۲- قابلیت بقای ایجاب به طرفیت ورثه متوفا یا نماینده محجور.^۱

براساس گرایش حقوق برخی کشورها به حکومت اراده ظاهری در تشکیل تعهدات ارادی، در تطبیق دیدگاه‌ها می‌توان مبنای نظریه اول را همسو با دیدگاه غالب در حقوق ایران تشخیص داد، اما بین دیدگاه دوم در کشورهای اروپایی و نظریه قابلیت تنفیذ ایجاب بعد از فوت موجب در حقوق ایران، به لحاظ مبنایی سختی وجود ندارد.

۱. پارساپور، محمدباقر و وحید فقیهی، پیشین، ص ۱.

با این برداشت اولیه، در ادامه به بررسی موضوع فوت و جنون در این گفتار و ورشکستگی در گفتار بعدی، به عنوان اسباب زوال ایجاب می‌پردازیم.

از نظر سابقه فقهی، با مراجعه به آثار و نوشته‌های فقهای همه مذاهب اسلام، می‌توان مدعی شد که اجماع به لزوم تداوم اهلیت طرفین از زمان ایجاب تا زمان قبول قرار گرفته است. با توجه به مواد قانونی در حقوق ایران، می‌توان به نتیجه‌ای مشابه به نظر فقها رسید. مواد ۱۹۰ و ۲۱۰ قانون مدنی، اهلیت طرفین را در زمان وقوع عقد و نه در زمان وقوع ایجاب به تنهایی شرط صحت معامله دانسته‌اند.

در مورد مرگ می‌توان گفت، مرگ گوینده ایجاب یا مخاطب آن از دیگر اموری است که در بحث از عوامل زوال ایجاب مطرح می‌شود. پیش از پرداختن به آنچه در حقوق ایران در این باره گفته شده است، بیان عقاید فقها ضروری به نظر می‌رسد. گفتار فقیهان در این زمینه و نیز در مورد عوامل بعدی که مطرح خواهد شد، مبتنی بر پاسخی که آنها در مورد لزوم بقای اهلیت متعاقبین تا پایان عقد می‌دهند، هریک از گویندگان ایجاب یا قبول در زمان اعلام اراده خویش نیازمند اهلیت است. اما آیا بقای اهلیت هریک در زمان انشای دیگری نیز ضروری است، به بیان بهتر، آیا طرفین باید از ابتدا تا انتهای عقد به طور پیوسته دارای اهلیت یا وجود اهلیت برای هریک فقط زمان انشای اعلام اراده خویش کافی است؟

مشهود فقها، پاسخ مثبت به پرسش فوق داده، معتقدند از جمله شروط عقد آن است که هریک از ایجاب و قبول در حالی واقع شود که هردو طرف قادر به انشا باشند. بنابراین، اگر مشتری در حال ایجاب با بایع قابلیت قبول نداشته یا فروشنده در زمان قبول طرف از قابلیت ایجاب خارج شود، عقد تشکیل نمی‌شود.^۱

برای اثبات این نظریه دلایلی ارائه شده و خلاصه آن چنین است که عقد عبارت از توافق قصد هاست و برای حصول این توافق، طرفین باید دارای اهلیت لازم باشند. صاحب جواهر در این خصوص بیان داشته‌اند: عقد یعنی ایجاب و قبول (نه مثلاً ایجاب تنها) و لذا هر چه در صحت عقد شرط است، در تمام فاصله ایجاب تا قبول ضروری است، نه فقط در قسمتی از عقد.^۲ به

۱. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۱۷۲.

۲. نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی تشریح الاسلام*، جلد ۲۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد هفتم، ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۱۴۷.

هرحال، نتیجه پذیرش این اصل کلی آن است که مرگ هریک از طرفین، قبل از قبول مانع از صدق عقد و معاهده می‌شود و آنها را از قابلیت تخاطب که لازمه پیمان‌بندی است، خارج می‌سازد.^۱ بنابراین، مرگ گوینده یا مخاطب موجب زوال ایجاب است. در برابر نظریه فوق، عقیده دیگری نیز وجود دارد که بقای اهلیت را شرط نمی‌داند. این نظر، به‌ویژه مبتنی بر دیدگاهی است که تمام حقیقت بیع (وسایر عقود) را به ایجاب می‌دانست. براین اساس، باید گفت عقد با ایجاب تحقق یافته و قبول نقشی جز پذیرش آنچه واقع شده است، ندارد. پس اگر موجب بعد از ایجاب فوت کند، (یا دچار بیهوشی و مانند آن شود) تغییری در آنچه تحقق یافته پیدا نشده، ایجاب زایل نمی‌شود. بدیهی است، مرگ مخاطب به آن دلیل که تأثیر عقد را نسبت به خودش نپذیرفته است. موجب عدم باروری و تأثیرگذاری عقدشده و نسبتی همانند موت اصیل پیش از اجازه عقد فضولی پیدا می‌کند.^۲

البته در موضوع مورد بحث، نظریه سومی نیز وجود دارد که قائل به لزوم بقای اهلیت در بایع و عدم لزوم در مشتری (مخاطب ایجاب) است^۳ که چون درباره مرگ عملاً نتیجه‌ای نداشته، به هر حال زوال ایجاب را در پی دارد. در بحث جنون به عنوان یکی دیگر از اسباب زوال ایجاب به آن خواهیم پرداخت.

باوجود توجهی که فقها از گذشته دور به این مسئله داشته‌اند، قانون مدنی ماحکم صریحی درباره تأثیر مرگ در زوال ایجاب نکرده است. گرچه برخی خواسته‌اند با استفاده از ملاک ماده ۸۰۲ که مقرر داشته است اگر قبل از قبض و اهب، متهب فوت کند، هبه باطل می‌شود،^۴ قانونی عام مبنی بر زوال ایجاب در اثر فوت هریک از طرفین فراهم کنند.^۵ ماده ۹۵۶ نیز می‌تواند خود گواهی بر ادعای سقوط ایجاب به موجب فوت هر یک از طرفین باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود». بنابراین، در حقوق ایران دارا شدن حق و تکلیف، قائم به حیات انسان است و با زوال حیات،

۱. انصاری، مرتضی، پیشین، ص ۱۳۳.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق: دایره‌المعارف عمومی حقوق، پیشین، ص ۵۹.

۳. خوئی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهه، نجف مطبوعه الآداب، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۳۹.

۴. نظیر این حکم در مورد وقف نیز داده شده است: فلومات الواقف قبله، ای قبل قبضه المستند الی اذنه، بطل... و الظاهران موت موقوف علیه کذلک.

۵. موسوی خمینی، روح‌الله (امام خمینی)، البیع، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۶.

اهلیت دارا شدن حق و تکلیف از او سلب می‌گردد. به نظر می‌رسد حتی با چشم‌پوشی از استنباط‌های یادشده که ایرادهایی نیز ممکن است بر آن وارد آید، بتوان با اعتماد به نظر مشهور فقها که مرجع و پشتوانه فکری نویسندگان قانون مدنی بوده است و با توجه به اصول کلی باب تعهدات، حکم به زوال ایجاب در اثر فوت در حقوق ما کرد. نویسندگان معروف ما نیز به هردلیل همین را پذیرفته‌اند.

کاتوزیان پس از تقسیم ایجاب به ایجاب ساده و نیز ایجابی که با تعهد به حفظ آن همراه است، در مورد اثر مرگ در هر کدام جداگانه به بحث پرداخته، بالاخره با پذیرش زوال آن در اثر مرگ چنین می‌افزاید: «ادعای بقای ایجاب پس از فوت گوینده آن فقط در صورتی منطقی به نظر می‌رسد که اعلام اراده هر دو طرف عقد هر کدام ایقاعی مستقل به شمار آید و سازنده اصلی عقد نیز اراده تظاهری باشد، اما هیچ‌یک از این دو مقدمه در حقوق ما پذیرفته نشده است»^۱.

لنگرودی نیز با اینکه اصولاً مانعی برای عدم زوال نمی‌بیند و معتقد است ایجاب که موجودی اعتباری است، تابع نحوه اعتبار بوده، نفس خلاق آدمی نیز توان انشا و اعتبار به هر شکلی را دارد و از جمله می‌تواند ایجاب را طوری واقع کند که بعد از فوت یا مانند آن هم باقی بماند. اما با این حال، در مجموع قائل به زوال شده، چنین نتیجه می‌گیرد که مصالح متعاقدين اقتضا دارد که بقای موجود اعتباری ناشی از ایجاب محدود به حیات هر یک از متعاقدين شود.^۲ سید حسن امامی نیز به زوال ایجاب در اثر فوت گوینده آن تصریح کرده است.^۳

جنون نیز وضعیتی مشابه فوت را در فقه و حقوق ایران دارد. در مورد جنون می‌توان گفت: شمار بسیاری از فقها نظیر شیخ در مکاسب و پیش از او محقق در شرایع، جنون و اغما (بیهوشی) را نیز از عوامل نابودکننده ایجاب دانسته‌اند. صاحب جواهر ضمن تأیید این عقیده، دو دلیل نیز اقامه کرده است: نخست آنکه ایجاب پیش از قبول در حکم عقد جایز است که با جنون و اغما ساقط می‌شود. این استدلالی است که شهید ثانی در مسالک آورده و صاحب جواهر نیز تأیید می‌فرماید. دلیل دیگر آنکه، ادله شرطیت عقل، قصد و مانند آن مربوط به عقد که مرکب از ایجاب و قبول است، می‌باشد، نه فقط مربوط به (زمان) ایجاب. صاحب عروه نیز که این امور را از

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، پیشین، ص ۳۲۲.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق: دایره المعارف عمومی حقوق، پیشین، ص ۶۸.

۳. امامی، سیدحسن، پیشین، ص ۳۹۸.

بین برنده ایجاب دانسته است، علاوه بر استدلال به عدم صدق معاهده و معاهده بر ایجاب کننده یا قابل مجنون یا مغمی علیه که شیخ به آن استناد ورزیده است، دعوی اجماع و نیز انصراف ادله را مطرح ساخته است. مرحوم حکیم نیز با اینکه در تمام ادله مذکور ایرادهایی دیده و مخالفت کرده است، در نهایت، زوال ایجاب در اثر جنون و اغما را به آن دلیل پذیرفته است که مانع از صدق تخاطب می شود. نتیجه اینکه مسئله مورد بحث از شهرت بالایی در فقه برخوردار است و مخالفت اندکی با آن دیده شده که آن هم یا مبتنی بر تمامیت عقد با ایجاب تنهاست که نتیجه اش عدم تأثیر جنون یا بیهوشی موجب در زوال ایجاب است، یا مبتنی بر نظری که بقا اهلیت را فقط در مورد بایع لازم می دانست که نتیجه ای درست عکس مبنای قبلی دارد؛ به این معنی که جنون و بیهوشی موجب، باعث زوال ایجاب است؛ در حالی که چنین اموری در مشتری تأثیری در اعتبار ایجاب ندارد.^۱

به رغم سکوت قانون مدنی در این زمینه، حقوق دانانی نظیر امامی، جنون را باعث نابودی ایجاب می دانند،^۲ گرچه در مورد اغما سخنی نگفته اند. کاتوزیان با سکوت در مورد جنون، صریحاً ابراز داشته است که نباید عوارض زودگذری چون بیهوشی را نابودکننده ایجاب دانست. چنان که نگرودی نیز جنون را به طور اصولی از بین برنده ایجاب ندانسته و معتقد است، به وجود آورنده این موجود اعتباری می تواند آن را به گونه ای اعتبار نماید که پس از موت و جنون او نیز معتبر باقی بماند.

ماده ۱۲۱۳ در تعیین تکلیف طرف معامله با مجنون به صراحت مقرر می دارد: «مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود. لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می نماید، نافذ است؛ مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد.

در کنوانسیون، هیچ مقرره ای در مورد وقایع حقوقی فوق الذکر نیست. ماده (۳) ۴ پیش نویس قانون متحدالشکل انعقاد قرارداد بیع بین المللی (۱۹۵۸) مقرر می داشت که مرگ یا حجر در برخی اوضاع و احوال، می تواند مجوز استرداد ایجاب باشد. همین طور ممکن است مخاطب ایجاب

۱. اسماعیلی، محسن، ایجاب و زوال آن از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۷۷، شماره ۹، صص ۵۴-۵۶.

۲. امامی، سیدحسن، پیشین، ص ۳۴۵.

اجازه بدهد تا پیشنهاد منقضی شود. کمیتهٔ مربوط به شکل و انعقاد قرارداد، چهار توصیه را دریافت کرد:

یک توصیه این بود که گفته شود، ایجاب منقضی نخواهد شد؛

توصیهٔ دیگر این بود که موجب باید منقضی شود؛

سومین توصیه مقرر می‌داشت که می‌توان از ایجاب عدول کرد؛

چهارمین توصیه عنوان می‌کرد که بین مرگ و حجر موجب و مرگ و حجر مخاطب ایجاب باید تمایز قائل شد.^۱

به‌جای چهارمین پیشنهاد، گفته شد که مادهٔ (۳) ۴ پیش‌نویس حذف شود. تصمیم نهایی در مادهٔ ۱۱ کنوانسیون مربوط به قانون متحدالشکل ناظر بر انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی اموال منقول، مصوب ۱۹۶۴ تجلی پیدا کرد که مقرر می‌داشت: «مرگ و حجر یکی از طرفین، قبل از قبول، اثری در انعقاد قرارداد ندارد، مگر اینکه قصد طرفین، برخلاف این باشد یا عرف و عادت یا مقتضای قرارداد، خالف آن را مقرر دارد». کنوانسیون وین، کماکان در مورد این موضوع، سکوت کرده است. بحث در مورد افالس و ورشکستگی، نه در کنفرانس ۱۹۶۰ لاهه بررسی شد و نه در کنفرانس وین. لذا به نظر می‌رسد که موضوعات مرتبط با مرگ، حجر و ورشکستگی، تابع قانون ملی حاکم بر قرارداد است.^۲

۶. ورشکستگی

همان‌طور که گفته شد، در کنوانسیون‌های بین‌المللی، بحث حجر و ورشکستگی به سکوت برگزار شده و از این‌رو، تابع قانون ملی حاکم بر قراردادهاست. ورشکستگی از نظر حقوق ایران موجب می‌گردد که ورشکسته از مداخله در تمام اموال، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عایدش گردد، منع شود. همین حکم در مادهٔ ۵۵۷ قانون تجارت شامل کلیهٔ قراردادهای ورشکسته نیز تکرار شده است؛ چه این ماده مقرر می‌دارد: «کلیه قراردادهایی که پس

۱. یانکا. سی. ام، بونل، ام. جی، *تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی*، جلد ۹، ترجمه: مهرباب داراب‌پور، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۱، صص ۲۰۹-۲۱۰.

۲. همان، ص ۲۱۰.

از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد، نسبت به هر کس، حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است.»

با توجه به مواد ۴۲۸ و ۵۵۷ قانون تجارت معلوم می‌گردد که ایجاب با ورشکسته شدن هر یک از طرفین معامله ساقط می‌گردد؛ چه به هر حال، بر فرض وقوع قبول معامله صحیحی واقع نمی‌شود. اکثر اساتید حقوق تجارت ایران با توجه به ظاهر عبارات ماده ۵۵۷ حکم بطلان را شامل کلیه قراردادهای پس از توقف نیز دانسته‌اند که قابل تأمل است و نمی‌توان صرف توقف را موجب بطلان معامله یا به عبارت مورد نظر بحث ما موجب سقوط ایجاب دانست؛ چرا که اولاً بسیار ممکن است که توقف در کار تاجر حاصل آید، ولی به ورشکستگی منجر نگردد که در آن صورت ایجاب نمی‌تواند به صرف توقف سقوط کند، بلکه شرایطی دیگر از جمله سوء نیت باید احراز گردند. ثانیاً با مقایسه ماده ۵۵۷ با مواد ۴۲۳ و ۴۲۶ قانون تجارت، می‌توان چنین استنباط نمود که ذکر عبارت پس از تاریخ توقف در ماده مسامحه در بیان است و منظور مقنن قراردادهای پس از تاریخ ورشکستگی می‌باشد، والا با اطلاق و عمومیتی که حکم ماده ۵۵۷ دارد، انشای ماده ۴۲۳ دیگر لازم نبود. نتیجه آنکه اطلاق حکم ماده ۵۵۷ قانون تجارت که ظاهراً شامل کلیه قراردادهای (حتی آنکه حسن نیت در انعقادشان محرز و مسلم است و به ضرر کسی تمام نمی‌شوند) می‌گردد، نمی‌تواند در برگیرنده معاملات و قراردادهای قبل از ورشکستگی باشد، بلکه در راستای تکمیل و انطباق با ماده ۴۱۸ انشا شده است.

نتیجه گیری

در ارتباط با زوال ایجاب، همان طور که گذشت، زوال ایجاب در کتب حقوق خارجی بحث مستقل و مهمی را تحت عنوان "TERMINATION OF OFFER" به خود اختصاص داده است. لکن در مباحث فقهی و تا اندازه‌ای هم در کتب حقوقی ما جایگاه شایسته خویش را پیدا نکرده است. به رغم گسترش مبادلات بازرگانی در دنیای امروز یا وجود اهمیت بسزایی که قراردادهای زندگی اقتصادی انسان دارند، مدت اعتبار ایجاب و عوامل نابودی آن به خوبی مورد پژوهش و تحقیق قرار نگرفته و لذا احکام مربوط به این مباحث در مواضع و مناسبت‌های مختلف پراکنده شده‌اند. در مورد مصادیق زوال ایجاب نیز استرداد ایجاب، رد صریح یا ضمنی ایجاب، گذشت مدت، زوال ایجاب به واسطه ایجاب متقابل و بالاخره فوت و جنون و ورشکستگی مورد مطالعه قرار گرفت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. امامی، سیدحسین، **حقوق مدنی**، جلد ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
۲. انصاری، مرتضی، **مکاسب**، چاپ سنگی، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳. بهرامی، حمید، **کلیات عقود و قراردادها**، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۴. خوئی، سیدابوالقاسم، **مصباح الفقاهه**، نجف مطبعة الأداب، ۱۴۰۴ ق.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت**، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **الفارق: دایرةالمعارف عمومی حقوق**، جلد ۳، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۷. شهیدی، مهدی، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۸. صفایی، حسین، **قواعد عمومی قراردادها**، تهران: میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۹. صفایی، حسین و همکاران؛ **حقوق بیع بین المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالت متحده امریکا**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم (با تجدیدنظر و اضافات)، ۱۳۹۰.
۱۰. قاسم زاده، سید مرتضی، **اصول قراردادها و تعهدات**، تهران: دادگستر، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹.
۱۱. داکسبری، روبرت، **مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان**، ترجمه و توضیحات: حسین میرمحمد صادقی، حقوقدان، ۱۳۷۷.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۵، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، (ویرایش جدید)، ۱۳۸۷.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، **عقود معین (معاملات معوض-عقود تملیکی)**، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۲.

۱۴. یانکا. سی. ام، بونل، ام. جی، *تفسیری بر حقوق بیع بین المللی*، جلد ۹، ترجمه: مهرا ب داراب پور، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۵. معزی، امیر، *حقوق مدنی ۳*، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله (امام خمینی)، *البیع*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۷. نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی تشریح الاسلام*، جلد ۲۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد هفتم، ۱۴۲۸ ه.ق.

مقاله

۱۸. ابهری، حمید و همکاران، *اسباب زوال ایجاب در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۸۹۱+ و تطبیق آن با حقوق ایران*، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال دوم، ۱۳۹۴، شماره ۴.
۱۹. اسماعیلی، محسن، *ایجاب و زوال آن از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۹.
۲۰. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و حسین کاویار، *رجوع از ایجاب در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰)*، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۵.
۲۱. پارساپور، محمدباقر و وحید فقیهی، *نبرد فرم‌ها در کنوانسیون بیع بین المللی کالا با مطالعه در حقوق ایران*، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ۱۳۹۱، شماره ۳.

پایان نامه

۲۲. پارسایی پور، محمد باقر، «مطالعه تطبیقی تاثیر فوت یا حجر طرفین بر ایجاب در حقوق ایران و حقوق اروپایی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۸۹.

ب) منابع انگلیسی

Book

23. Garner, B.A., Black's Law Dictionary, USA: West Group Pub, 9th ed, p. 1291, 2009, See also, Cozzillio, M.J., *The Option Contract: Irrevocable Not Irretractable*, Cath. U.I.Rev, vol. 39.

